

رسیده بود و می‌خواستیم محلی برای فروش در پارک کوهسنگی داشته باشیم. مدیر پارک نیز برای این موضوع به ما خیلی کمک کرد.»

آموزش رایگان به شرط کار

بعد از پیگیری و رفت‌وآمدها، سرانجام مجوز فروش در پارک را دریافت می‌کنند و به آن‌ها اعلام می‌شود می‌توانند ۳ تا ۴ سال آنجا بمانند. هرچه داشتند و نداشتند، و با قرض، سازه‌ای چوبی در میان پارک بنا می‌کنند و به گفته خودش، با خون دل، این کلبه جان می‌گیرد. هر کسی از شروع به کار جدید و رهایی از شغل سابقشان خبردار می‌شد، معتقد بود اشتباه می‌کنند. «خودمان نیز قبول داشتیم شروع این کار ریسک است، اما مطمئن بودیم در نهایت جواب می‌دهد. قرار را بر این گذاشتیم که به بانوان، رایگان آموزش بدهیم به این شرط که با مجموعه‌مان همکاری کنند. قیمت‌هایمان نیز طوری بود که مردم توان خرید داشتند و استقبال می‌کردند.»

مرداد سال ۹۵، کلبه را افتتاح می‌کنند. با اینکه همه چیز خوب پیش می‌رفت و رونق روزافزون کار محمودی را به ادامه راه امیدوارتر می‌کرد، سال ۹۶ کلبه پلمب می‌شود. می‌گویند برای کار در آنجا باید ۸۰ میلیون تومان بپردازند. انگار یک سطل آب یخ روی سرش خالی می‌کنند. ناگهان، پایان روزهای امیدواری را به چشم می‌بیند. «به مسئولان مربوط توضیح دادم که تعداد زیادی از بانوان از این طریق نان سر سفره‌هایشان می‌برند، اما پاسخی به من ندادند. نمی‌خواستیم مانند بعضی افراد که ارزشی برای تولید ملی و سرمایه‌انسانی خودشان قائل نیستند باشیم و یک مغازه اجاره کنیم و اجناس چینی بفروشیم.»

می‌خواستیم قید کلبه را بزنیم

یکی از خصوصياتی که محمودی همیشه در خودش دیده است پیگیری است. هر جا لازم می‌شود، به اصطلاح کفش آهنین به پا می‌کند. اما این بار گره کور بود و با اینکه پس از رفت‌وآمدها، هزینه هشتاد میلیونی به ۴۰ میلیون تومان کاهش می‌یابد، باز هم این مبلغ را نداشتند. «آن روزها ناامید شده بودم. به همسرم گفتم: ما که نمی‌توانیم این پول را جور کنیم پس باید قید کلبه را بزنیم و مانند قبل تنها در نمایشگاه‌ها شرکت کنیم. اما یکی از کسانی که دست‌سازه‌های خمیری را به من یاد داد و حالا او هم برای این مجموعه کار تولید می‌کند، در آن روزهای سخت به من گفت: حواست باشد که اکنون خدا به دست تو دارد روزی بنده‌هایش را می‌دهد. پس سعی کن کم نیاوری! این حرف موجب شد همان روز نظرم را عوض کنم و دیگر به هیچ قیمتی حاضر نشوم آنجا را از دست بدهم.»

محمودی تصمیمش را می‌گیرد و به دنبال آن، از هر کسی که در آشنا و فامیل بود، حتی از فروشنده مغازه‌اش، پول قرض می‌کند و سرانجام مبلغ جور می‌شود. اکنون علاوه بر اینکه با این کار برای خانواده خود و حتی فامیلشان اشتغال‌زایی شده است، زنانه‌ی از نیشابور، چناران، قوچان، کاشمر و روستاهای اطراف مشهد نیز در این زمینه فعالیت دارند. «اکنون ۴۳۰ نفر از بانوان با ما کار می‌کنند. حتی تعدادشان بیش از این‌هاست زیرا خیلی از اوقات به مادر خانواده کار می‌دهیم، اما همه اعضای خانواده پایه‌پای او کار می‌کنند، حتی بچه‌های کم‌سن‌وسال. ضمن اینکه ۸ مرد برایمان کارهای خمیری درست می‌کنند.»

تعدادی از بانوانی که حالا با او کار می‌کنند از طریق نمایشگاه با آن‌ها آشنا می‌شوند و نمونه کار می‌آورند. او به بانوان دیگر در مسجد پارک کوهسنگی آموزش می‌دهد. در روستاها نیز به سرگروه بانوان آموزش می‌دهد تا کار سریع‌تر پیش برود. «اکنون بانوان در محلاتی مانند بسکابادی و رسالت در مشهد یا روستاهای چهاربرج، شهرک رضویه و... برای این مجموعه کار می‌کنند. وقتی برای تحویل مواد اولیه یا دریافت کارها به سراغشان می‌روم و می‌بینم در مقایسه با قبل که بیکار بودند و در نبود درآمد، امکاناتی نداشتند، اوضاعشان بهتر شده است، خوشحال می‌شوم. بانویی با ما کار می‌کند که چند دختر دارد، اما شوهرش محکوم به حبس ابد و یک روز است. این مادر یک‌تنه با دست‌سازه‌های خمیری، زندگی‌اش را می‌چرخاند.»

از تولید نمی‌ترسیم

محمودی سقفی برای جذب نیروهای بیشتر در این مجموعه تعیین نکرده است و هنوز هم نیروی کار می‌خواهد. برای نمونه از حالا به فکر تولیدات عید نوروز و سال جدید است. حتی افرادی برایش کار تولید می‌کنند که معلول‌اند، اما از این طریق درآمد دارند. «از تولید و جذب نیرو نمی‌ترسیم. هنوز هم از بانوان هنرمند یا بانوانی که می‌خواهند کار را یاد بگیرند و شاغل شوند، دعوت به همکاری می‌کنم. هم‌اکنون کسانی که با ما کار می‌کنند هفته‌ای ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارند. بستگی دارد خودشان چقدر کار کنند. همه لوازم موردنیاز را هم در اختیارشان می‌گذارم. مواد اولیه خیلی گران شده، اما هیچ‌وقت سود آن چنانی برایشان اهمیت نداشته است. کار برایشان مهم است.»

در دوران همه‌گیری کرونا، ۱۲۰ نیرو اضافه کردیم!

در این ۲ سال، مانند بسیاری از مشاغل دیگر، کرونا بر رونق کار محمودی نیز اثر می‌گذارد. ضمن اینکه در این دوران، مدتی حتی ورود به پارک‌ها ممنوع بود و کلبه آن‌ها در دل پارک جا خوش کرده بود. شاید چاره منطقی این بود که حدود ۱۵ نیرو از این مجموعه کم شوند تا هزینه‌ها سرشکن شود، اما تعدیل نیرو با هدف محمودی برای اشتغال‌زایی بیشتر در تضاد بود. «خوشبختانه در این ۲ سال شهرداری کمک کرد. اجازه‌ها را خیلی کم کردند و از این نظر به ما کمک شد. اما برای اینکه نیرویی را از گود کاری خارج نکنیم، هرچه پس‌انداز داشتیم استفاده کردیم. ضمن اینکه ماشینمان را هم فروختیم تا کار تعطیل نشود. حتی در این مدت ۱۲۰ نفر به مجموعه‌مان اضافه کردیم تا محصولات جدیدی ارائه بدهیم.»

او هنوز هم پایه‌پای بانوانی که به واسطه این مجموعه اشتغال دارند کار می‌کند. به گفته خودش، اگر شبانه‌روز ۲۴ ساعت است، او ۲۶ ساعت کار می‌کند! محمودی بخشی از خانه‌اش را نیز به کارگاه تبدیل کرده است و هر روز در حین اینکه غذا می‌پزد، با همسرش و به وسیله دستگاه، خمیر می‌زنند یا بسته‌بندی‌ها را انجام می‌دهند. «هنوز هم همه نقاشی‌های دست‌سازه‌های خمیری را همسرمان انجام می‌دهد. مادرم نیز مانند گذشته، زن مستقلی است و او نیز کارهای تولیدی را انجام می‌دهد. بیشتر در کارگاه خانگی کار می‌کنیم و هفته‌ای ۴ روز به بانوان سرکشی می‌کنیم. زیاد به کلبه نمی‌رویم زیرا فروشنده هست و معمولاً در فصل‌های سرد سال، به دلیل کمبود مسافر، زیاد مشتری زیادی نداریم.»

کسب‌وکارمان داشت جان می‌گرفت

او جلسات بسیاری را در حوزه‌های کارآفرینی و کسب‌وکار شرکت می‌کند تا رونق بیشتری در کارش شاهد باشد. معتقد است پول یک چیز است و برکت پول چیز دیگر. ضمن اینکه اسباب‌خانه را مایه آسایش نمی‌داند و معتقد است آرامش را باید در حوزه‌های دیگری جست‌وجو کرد. «در این کسب‌وکار تازه داشتیم جان می‌گرفتیم که کرونا همه چیز را به هم ریخت و به ما لطمه بسیاری زد. باز هم این کار برکت دارد. با وجود اینکه پس‌اندازمان را در این دوران استفاده کردیم، هنوز هم برای تفریح و گذراندن زمان با خانواده خود وقت می‌گذاریم و پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها کار نمی‌کنیم.»

او بر این باور است که حمایت خانواده نقش بسیار پررنگی در پیشبرد کارها و موفقیت دارد. محمودی به یاد دارد اولین بارها، زمانی که کاری را تولید می‌کرد و از همسرش نظر می‌خواست، با اینکه تولیدش ایراد داشت، هیچ‌وقت به اصطلاح ذوق او را کور نمی‌کرد و در نهایت، ایراد کارش را غیرمستقیم به او می‌گفت. «متأسفانه اکنون بانوانی را می‌بینم که حتی از سوی همسرشان نیز حمایت نمی‌شوند. ۲ پسر چهارده‌ساله و بیست‌و یک‌ساله داریم. یکی از آن‌ها در یکی از نمایندگی‌های فروش کار می‌کند و دیگری در کارگاه خانه برای چسباندن آهن‌ریا و بسته‌بندی فعالیت دارد. خوشبختانه از این سن وارد بازار کار شده‌اند که تجربه خوبی برایشان است.»

شهربانو

۲۳ شهریور
۲۰ دی ۱۴۰۰
۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ شماره ۷۲۷۲

(۵)

